

مؤمن حقیقی از دیدگاه امام سجاد(ع)

امام سجاد(ع) در مورد مؤمن حقیقی می فرماید: نیکومرد آن کسی است که هوای نفس و درخواست خود را تابع امر خدا نموده است و قوای خود را در راه رضای خدا مبذول داشته است.



امام سجاد(ع) در مورد مؤمن حقیقی می فرماید: نیکومرد آن کسی است که هوای نفس و درخواست خود را تابع امر خدا نموده است و قوای خود را در راه رضای خدا مبذول داشته است.

در دیدگاه فقه ظاهری مبنا بر انجام ظاهر است و اصلاً توجهی نسبت به باطن و سر و حقیقت عبادت وجود ندارد و تنها تکلیف را بر مدار نفس اتیان فعل می شمرد. در این دیدگاه اگر فردی از زمان بلوغ تا صد سال تمام نمازها و روزه ها و حج و سایر عباداتش از روی ریا و سمعه و تظاهر باشد هیچ ایراد و اشکالی ندارد و در پیشگاه پروردگار مورد بازخواست و سؤال و جواب قرار نخواهد گرفت و بر او ایراد و اعتراض واقع نخواهد شد. اما در دیدگاه مکتب اهل بیت(ع) تمام این نمازها و روزه ها به مقدار یک غاز ارزش معنوی ندارد و در دستگاه ملائکه و حضرت ربوبی به پیشیزی نمی خرنند. عبادتی در این مکتب مورد امضاء و پذیرش است که فقط براساس خلوص نیت و استقامت ضمیر و قلب در هنگام عبادت باشد و به هر مقدار این مسأله قوی تر باشد جان عبادت و مقبولیت آن نزد پروردگار بیشتر است.

«ظاهر و باطن» مقوله‌ای است که گستره آن بسیاری از اعمال و عبادات انسان مومن را فرا می گیرد و مناسب است در این میان مومن حقیقت خویش را می یابد. آیت الله سیدمحمدحسن حسینی طهرانی (فرزند علامه طهرانی) و از اساتید سطح عالی حوزه علمیه در کتاب اسرار ملکوت در خصوصیات مؤمن واقعی و تبیین امام معصوم(ع) از ایشان چنین می نگارد که برگزیده آن ذیلا می آید:

انسان زمانی به مقام عبودیت می رسد که عملش از روی اتقان باشد

مقصود از خلقت انسان وصول به مرحله فعلیت و کمال است و آن همان معرفت ذات پروردگار به نحو انکشاف حقیقت ذات در سر و سویدای ضمیر و قلب و تبدل و تحول نفس انسان از رتبه حیوانیت و بهیمیت به حیطة و حریم خلافت الهی می باشد که از او به انسان کامل و یا به عارف واصل و ولی کامل حق متعال تعبیر می شود و آن مرحله بدون طی طریق و عبور از بوادی نفس اماره و غیره و اخلاص در عمل و فعل و توجه تام به حضرت احدیت امکان ندارد؛ چنانچه در آیه شریفه می فرماید: (و ما خلقت الجن و الإنس إلا ليعبدون) [سوره الذاریات (51) آیه 56] ای ليعرفون. «من جن و انس را فقط به جهت و مقصد عبادت خلق نمودم» یعنی از مرتبه عبادت ظاهر به عبادت باطن که تحقق به مقام عبودیت تام و صرف العبودیه است برسند که در این مرتبه معرفت ذات حق به حق المعرفة و کمال المشاهده برای عبد حاصل می شود....

بناءً علی هذا عبادتی که انسان را به این مقصد و مقصود برساند در راستای این هدف قرار گرفته و مقبول و ممضی و قابل پذیرش از ناحیه پروردگار است، و آنچه انسان را به این رتبه نرساند مردود و مطرود و بدون ارزش و اعتبار خواهد بود؛ و این معنی حاصل نخواهد شد مگر با اتقان در طریق و جزم در عبادت و یقین به مطلوبیت و انجاز دعوت از ناحیه پروردگار.

انسان کامل عمل به موازین و مبانی شرع را تحمیل بر نفس نمی کند

شرط اصلی و محوری و حیاتی متابعت از استاد کامل و عارف واصل و یا به تعبیری استاد عام، متابعت از شرع اقدس و تطبیق امور خود با موازین و مبانی شرع است. تذکر این نکته فوق العاده مهم است که این تطبیق نه از روی مراقبه و مجاهده و تکلیف و تحمیل نفس است، بلکه خواهی خواهی حال او متبدل به حال و خصوصیتی می شود که این جری و انطباق حاصل می شود و این مطلب از آن جهت است که نفس او از محدوده نفوس بشری بالکلیه خارج شده است و متبدل به نفس الرحمن و ذات اقدس إله شده است و دیگر اثری از آثار و لوازم نفوس بشری در او موجود نیست تا بخواهد آنرا از خود دور کند و یا برخلاف میل خود بخواهد «إطاعة لأمر الله و انقیاداً له» تکلیفی را انجام دهد، چنانچه ما انجام می دهیم و از آنجا که سنت پروردگار بر ارسال رسل و إنزال کتب و شرایع و ادیان است، باید در عالم ظاهر نیز نفس عارف همان سنت و شریعت و تربیت و ادب را به أحسن وجه اعمال نماید، که در غیر این صورت تخلف نظام تکوین از تشریع لازم آمده و امور عالم تشریع مختل و درهم خواهد شد.

معرفی مؤمن حقیقی توسط امام سجاد(ع)

حضرت سید الساجدین و زین العابدین علی بن الحسین(ع) در بیان این مسأله می فرمایند: «إِذَا رَأَيْتُمُ الرَّجُلَ قَدْ حَسُنَ سَمُّهُ وَ هَدْيُهُ وَ تَمَاطَتْ فِي مَنْطِقِهِ وَ تَخَاضَعَ فِي حَرَكَاتِهِ فَرُودِيًّا لَا يَغْتَرْنِكُمْ! فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يُعْجِزُهُ تَنَاطُلُ الدُّنْيَا وَ رُكُوبُ الْحَرَامِ مِنْهَا لِيُضْعِفَ نِيَّتَهُ وَ مَهَانَتَهُ وَ جُبْنَ قَلْبِهِ، فَنَصَبَ الدِّينَ قُخَا لَهَا، فَهُوَ لَا يَزَالُ يَخْتَلُّ النَّاسَ بِظَاهِرِهِ، فَإِنْ تَمَكَّنَ مِنْ حَرَامٍ اقْتَحَمَهُ. وَإِذَا وَجَدْتُمُوهُ يَعْفُ عَنْ الْمَالِ الْحَرَامِ فَرُودِيًّا لَا يَغْتَرْنِكُمْ! فَإِنَّ شَهَوَاتِ الْخَلْقِ مُخْتَلِفَةٌ، فَمَا أَكْثَرَ مَنْ يَتَّبِعُوا عَنِ الْمَالِ الْحَرَامِ وَ إِنْ كَثُرَ، وَ يَحْمِلُ نَفْسَهُ عَلَى شَوْهَاءٍ قَبِيحَةٍ، فَيَأْتِي مِنْهَا مُحَرَّمًا. فَإِذَا وَجَدْتُمُوهُ يَعْفُ عَنْ ذَلِكَ فَرُودِيًّا لَا يَغْتَرْنِكُمْ! حَتَّى تَنْتَظِرُوا مَا عَقْدَةُ عَقْلِهِ، فَمَا أَكْثَرَ مَنْ تَرَكَ ذَلِكَ أَجْمَعٌ ثُمَّ لَا يَرْجِعُ إِلَى عَقْلٍ مَتِينٍ فَيَكُونُ مَا يَفْسُدُهُ بِجَهْلِهِ أَكْثَرَ مِمَّا يُصْلِحُهُ بِعَقْلِهِ. فَإِذَا وَجَدْتُمْ عَقْلَهُ مَتِينًا فَرُودِيًّا لَا

یغرنکم! حتی تنظروا! مع هواه یكون على عقله أم يكون مع عقله على هواه؟ و كيف محبته للرياسات الباطلة و زهده فيها، فإن فی الناس من خسر الدنيا و الآخرة فیتترك الدنيا للدنيا، و یرى أن لذة الرياسة الباطلة أفضل من لذة الأموال و النعم المباحة المحللة؛ فیتترك ذلك أجمع طلباً للرياسة حتى إذا قيل له اتق الله أخذته العزة بالاثم فحسبه جهنم و لبئس المهاد. فهو یخط خط عشواء یقوده أول باطل إلى أبعد غایات الخسارة و یمده ربه بعد طلیه لما لا یقدر علیه فی طغیانه. فهو یحل ما حرم الله و یحرم ما أحل الله، لا یبالی ما فات من دینه إذا سلّم له ریاسته التي قد شقی من أجلها، فاولئك الذین غضب الله علیهم و لعنهم و أعد لهم عذاباً مهیباً. ولكن الرجل کل الرجل نعم الرجل هو الذی جعل هواه تبعاً لأمرالله و قواه مبذولة فی رضی الله، یرى الذل مع الحق أقرب إلى عز الأبد من العز فی الباطل، و یعلم أن قلیل ما یحتمله من ضرائها یؤدیه إلى دوام النعم فی دار لا تیبّد و لا تنقذ، و أن کثیر ما یلحقه من سرائها إن اتبع هواه یؤدیه إلى عذاب لا انقطاع له و لا یزول. فذلکم الرجل نعم الرجل؛ فبه فتمسکوا و بسنته فاقعدوا و إلى ربکم فیه فتوسلوا فإنه لا ترد دعوة و لا یحیب له طلبه.»

«اگر مردی را ببینید که طریقه و روش او نیکوست و گفتار خود را آهسته و آرام نموده و سخن خود را ضعیف و ملایم نشان دهد و در کارها و حرکاتش خود را خاضع و فروتن جلوه دهد، فوراً به او گرایش پیدا نکنید! دست نگاه دارید، توقف کنید که شما را گول نزند! زیرا چه بسیار کسانی هستند که به علت سستی نیت و پستی هویت و ترسو بودن، دلشان از رسیدن به دنیا و ارتکاب کارهای حرام عاجز مانده اند و بدین جهت دین را دام وصول به دنیا و وسیله صید وصول به مادیات و شهوات قرار می دهند؛ مردم را به ظاهر آراسته خود می فریبند و چنانچه به چیز حرامی دست یابند با تمام مشقت و تکلف خود را بدان می رسانند و دست می آلاینند.

و اگر دیدید که آن مرد از مال حرام اجتناب می ورزد و دست بدان نمی آلود پس باز صبر کنید! و در گرایش به او مبادرت نکنید که شما را فریب ندهد! چون خواسته ها و تمایلات نفسانی مردم مختلف است؛ زیرا که چه بسیاری از مردم از به دست آوردن مال حرام گرچه فراوان باشد دوری می کنند، ولیکن اراده خود را از راه زنا و اعمال شنیعه باز نمی دارند، و نفس خود را بر ورود بر یک زن زشت کریه المنظر فرود آورده و از راه حرام با او آمیزش می کنند.

و اگر آن مرد را چنین یافتید که از این عمل زشت هم دوری می کند باز شکبیا باشید! و در گرایش به او شتاب نکنید که مبادا شما را گول زند! تا خوب بنگرید که گره و بستگی عقلانی او چطور است؟ و مرکز تصمیم گیری تفکیری او چگونه است؟ چون بسیاری از مردم هستند که از روی آوردن به دنیا و ارتکاب محرمات و وصول به اموال حرام و اعمال آمیزش جنسی خودداری نموده و عفت به خرج می دهند، ولیکن دارای عقل متین و فکری استوار نیستند و بنابراین مفسده کارهایی را که انجام می دهند بیش از مصلحت آن است؛ چون بر پایه جهالتی که دارند مفسده ای می آفرینند بیشتر از مصلحتی که پدیده عقل و درایتشان است.

و اگر عقل او را نیز متین و استوار یافتید باز زود اقدام بر پیروی و تبعیت نکنید! تا آنکه او را بنگرید که آیا با هوای نفس خود متحد شده و بر علیه عقلش قیام کرده است؟ و یا آنکه با عقلش متحد شده و با هم بر علیه هوای نفس اماره به پا خاسته اند؟ و دیگر ببینید که آیا نسبت به ریاست های باطله دنیویه اشتیاق و رغبت دارد، یا آنکه بی رغبت و میل است؟ چون در میان توده مردم افرادی یافت می شوند که هم دنیا و هم آخرت هر دو را باخته اند؛ دنیا را برای وصول به دنیا ترک گفته اند و پنداشته اند که لذت ریاست های باطل از لذت اموال حرام و نعمت های مباح و حلال بیشتر است، و بنابراین برای نیل به ریاست های باطل از همه اینها گذشته اند و اگر به آنها گفته شود: از خدا بپرهیز! مقام خودخواهی و عزت کاذب او را به گناه می کشد؛ پس جهنم برای او بس است و حقاً بد جایگاهی است.

این چنین فردی چون آدم یک چشمی پیوسته در امور بدون بصیرت و درایت است، و اولین گامی که به باطل بردارد او را به آخرین مراتب خسران و زیان می کشاند. و پس از آنکه نمی تواند به منویات خود برسد، پروردگارش او را در طغیان و سرکشی ممتد می برد، و در این صورت آنچه را خدا حرام کرده است حلال می شمرد، و آنچه را خدا حلال کرده حرام می شمرد؛ و اگر ریاست باطلش که به دنبالش می رود و برای وصول به آن خود را به مهالك انداخته و به شقاوت رسانده است سالم بماند، باکی در از بین رفتن دینش ندارد؛ پس این افراد کسانی هستند که خدا بر آنها غضب نموده و به آنان صلاهی دورباش زده و عذاب ذلت آمیز و تحقیرانگیز برایشان مهیا ساخته است.

ولیکن مرد، تمام مرد، نیکو مرد آن کسی است که هوای نفس و درخواست خود را تابع امر خدا نموده است و قوای خود را در راه رضای خدا مبذول داشته است؛ و ذلت را با وجود داشتن حق، به عزت ابدیه نزدیکتر می یابد از عزتی که با باطل به دست می آید. و به یقین می داند که گرفتاری های کم و ناچیز دنیا که برای رضای خدا آنها را تحمل می کند، او را به دوام نعمتهای ابدیه خداوند در بهشتی که خرابی و فناء و نیستی ندارد خواهد رسانید. و نیز می داند که اگر از هوای نفس اماره خود پیروی کند بسیاری از خوشه هایی که در دنیا می برد او را به عذاب ابدیه خداوند که زوال و انقطاع ندارد خواهد کشانید. پس بنابراین بدانید که مرد تمام عیار چنین مردی است؛ مرد نیکو، پسندیده و استوار چنین مردی است؛ پس حتماً به او تمسک کنید و بر رویه و منهاج و سیره او اقتدا نمائید و به وسیله او بسوی پروردگارتان متوسل شوید! چون درخواست و دعای او رد نمی شود و طلب و خواهش او دچار حرمان نمی گردد.»

امام سجاد(ع) راه شناسائی افراد را معاشرت و مراوده با آنها می داند

در این روایت شریفه حضرت سجاد(ع) به خوبی از نقاط ضعف و امور سلویه در یک چنین فردی پرده برمی دارند و مطلب را بر محور حب و نفع شخصی و رعایت مصالح فردی و حفظ شخصیت و انانیت در ارتباطات اجتماعی و معاشرت با افراد قرار می دهند. معاشرت و مراوده و مصاحبت با این افراد انسان را به مسائل باطنی آنها و اسرار مخفیه در نفوس ایشان آشنا می سازد،

و این همان مطلبی است که تمام بزرگان راه و مربیان اخلاق بدین مسأله هشدار داده اند و ما را برحذر داشته اند و از خطر این دام سخن رانده اند و حجت را بر همه ما تمام کرده اند و جای هیچ گونه عذر و بهانه ای باقی نگذاشته اند.